Vol. 7, No.1. Spring-Summer 2023

Recondensing the Concept of Power from Foucault's Perspective in Rashid al-Din Fazlullah Hamedani's Jami al-Tawarikh

Mehdi Kazempour*
Assistant Professor Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran.
Zahra Behrad
Master student of Islamic art (art research major), Tabriz University of Islamic Art, Tabriz, Iran.

Abstract
Due to their attendance in Iran, the Ilkhanate head of state, needed to legitimize themselves by any means conceivable. One feature of this legitimacy has been the protest of the power and potential aptitude of the people and their elected head of state to govern and wage war. Consequently, in this period, legitimacy was shaped based on the origin of power and "power" seemed to be in the center of attention of historical books and Shahnamehs. The writing and illustration of historical books became instruments for the legitimacy of the Mongols. One of these books is "Jame'at al-Tawarikh" written by Sheikh Fazlullah Hamedani, which has been investigated as a case study with the discourse approach and the method of Michel Foucault's discourse analysis in the present study. In addition to power through the exercise of power, Foucault interprets the use of force and also believes in the exercise of power through the acquisition of acceptance. This research has tried to answer this main question by using descriptive-analytical and documentary method that how the power and discourse of the Ilkhanid rulers have been manifested in the paintings of Jame'at al-Tawarikh? This article aimed at examining the reflection of the discourse of power and acceptance of the Ilkhanids in these paintings by analyzing the drawings of Jame'at al-Tawarikh. Through this research, it is possible to find out how art was used for legitimacy by Ilkhanids rulers based on Foucault's theory of power and discourse and to realize that history and art had been used as a tool to show power and legitimacy in political discourse in that period. The research findings showed that the display of power of the Mongol rulers used in the drawings of Jame'at al-Tawarikh was in line with political issues and for legitimacy. The Ilkhanid rulers tried to justify their rule by taking advantage of religious tolerance and accepting the religion, culture and art of the defeated people.

Keywords: Michel Foucault, power, Jami al-Tawarikh, legitimacy, Ilkhanate, miniature

* Email (corresponding author): M.kazempur@tabriziau.ac.ir

دوفصلنامه‌ی هنرهای صناعی اسلامی سال هفتم • شماره ۱ • بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحات: ۱-۱۳
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ ♦♦ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۵

بازاندیشی مفهوم قدرت از دیدگاه فوکو در نگاره‌های جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله همدانی

مهدی کاظم پور*
دانشیار دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران
زهرا بهراد
دانش‌آموخته کارشناسی ارشد هنر اسلامی (گرایش پژوهش هنر)، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

چکیده
حاکمان ایلخانی به دلیل حضور همراه با جبر در ایران، نیازمند مشروعیت‌بخشی به خود با هر ابزار ممکن بوده‌اند. اثبات قدرت و توانایی بالقوه این قوم و حاکمان منتخب آن‌ها در کشورداری و جنگاوری یکی از وجوه این مشروعیت بوده است؛ بنابراین در این دوره مشروعیت براساس منشأ قدرت شکل می‌گیرد و «قدرت» در مرکز توجه کتب تاریخی و شاهنامه‌ها نمایان می‌شود. بر این اساس نگارش و مصورسازی کتاب‌های تاریخی به ابزاری برای مشروعیت‌طلبی مغولان تبدیل می‌گردد. یکی از این کتب، کتاب جامع‌التواریخ اثر شیخ فضل‌الله همدانی است که به‌عنوان موردمطالعه با رویکرد گفتمانی و با شیوه‌ی تحلیل گفتمان میشل فوکو بررسی شده است. فوکو علاوه بر قدرت، از طریق اعمال قدرت که از آن به استفاده از زور تعبیر می‌کند، به اعمال قدرت از طریق کسب مقبولیت نیز اعتقاد دارد. این پژوهش در نظر دارد با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از شیوه‌ی مطالعه‌ی کتابخانه‌ای به این سؤال اصلی پاسخ دهد؛ قدرت و گفتمان حاکمان ایلخانی در نگاره‌های جامع-التواریخ چگونه نمود پیدا کرده است؟ در این نوشتار قصد داریم با تحلیل نگاره‌های جامع‌التواریخ، بازتاب گفتمان قدرت و مقبولیت ایلخانان را در این نگاره‌ها بررسی کنیم. از طریق انجام این پژوهش می‌توان چگونگی بهره‌گیری از هنر برای مشروعیت‌طلبی توسط حاکمان ایلخانی را بر اساس نظریه‌ی قدرت و گفتمان فوکو به دست آورد و پی برد که در این دوره تاریخ و هنر به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و مشروعیت‌طلبی در گفتمان سیاسی به‌کاررفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نمایش قدرت حاکمان مغول که با استفاده از اِلمان‌های قدرت در نگاره‌های جامع‌التواریخ به‌کاررفته است در راستای مسائل سیاسی و برای مشروعیت‌طلبی بوده است. حاکمان ایلخانی با بهره‌گیری از تسامح مذهبی و پذیرش دین، فرهنگ و هنر قوم مغلوب، سعی در موجه نشان دادن حاکمیت خود داشته‌اند.

واژگان کلیدی:
میشل فوکو، قدرت، جامع‌التواریخ، مشروعیت، ایلخانان، نگارگری.

* نویسنده مسئول مکاتبات: M.kazempur@tabriziau.ac.ir

مقدمه

هجوم مغول در دو مقطع تاریخی شکل گرفت. مقطع نخست از سال ۶۱۶ ه.ق تا سال ۶۵۰ ه.ق و با سرکردگی چنگیز مغول آغاز گردید و مقطع دوم نیز از سال ۶۵۰ ه.ق به بعد و با روی کار آمدن هلاکوخان آغاز شد که به تشکیل حکومت ایلخانی منجر گردید. هجوم مغولان کشتار، ویرانی، فروپاشی نظام اجتماعی و سیاسی را در پی داشت (Bozorgi, 2014, p. 9)؛ ما وضع بدین منوال پیش نرفت، پس از شمشیر نوبت قلم رسید و مسلمانان در پی بازنمایی خود در عرصه قدرت برآمدند. حاکمان مغول که با زور و شمشیر قدرت را به دست گرفته بودند، بر این امر واقف بودند که اگرچه شمشیر و زور، قدرت می‌آورد اما این جلوه‌های مقبولیت است که موجب تداوم و توفیقات حکومتی خواهد شد. بخشی از این فرآیند تطبیق با تمدن ایرانی، به‌واسطه‌ی نیاز به راهبردی بود تا حکومت ایلخانان را در چشم مردم مقبولیت بخشد (Mehrnia, 2017, p. 1). ایلخانان برای ماندن نیازمند دولتی متمرکز و مقتدر بودند و برای رسیدن به این هدف باید میان قوم غالب و مردم منطقه‌ی تحت سلطه، صلح ایجاد می‌کردند. این صلح باید هم با خاندان‌های بزرگ و سرشناس و نیز با دانشمندان مشهور بومی که با امور دولتی و دیوانی آشنا بودند، انجام می‌شد تا آنان به خدمت دولت مغول درآیند (Gofrani, 2006, p. 170).

میشل فوکو فیلسوف، نظریه‌پرداز اجتماعی و منتقد ادبی فرانسه معتقد است، مفهوم قدرت از مفاهیم کلیدی فلسفه اجتماعی است و از آنجا که هر معیاری برای ارزیابی نهادها و روابط اجتماعی به تعبیری از قدرت نیاز دارد، بدون فهم قدرت، فهم جامعه نیز ناممکن است. فوکو با توجه به جایگاه کلیدی مفهوم قدرت در اجتماع و سیاست کوشیده است که نگاه تازه‌ای به مفهوم قدرت بی اندازد و آن را بازاندیشی کند. هدف اصلی تحلیل‌های انتقادی فوکو این است که نقاب از چهره قدرت در جوامع بردارد و نشان دهد در پشت ظاهری که قدرت از مفهوم خویش ساخته است پیش از هر چیز یک سلطه پنهان به چشم می‌خورد (Foucault, 1980, p. 13). انسان‌ها با تولید حقیقت و ضرورت بر خود و دیگران حکومت می‌کنند و هدف تبارشناسی فوکو آشکار کردن این موضوع است. درواقع تبارشناسی در پی آن است که «پرده از فریب‌کاری‌های تاریخی بردارد و تبار پدیدارهایی را که به‌عنوان حقیقت عرضه شده‌اند، پی‌جویی نماید و نقش اراده‌ی معطوف به قدرت را در متن آن‌ها مشخص کند» (Foucault, 1999, p. 36).

در این پژوهش در پی آن هستیم تا بازتاب گفتمان قدرت در آثار هنر ایلخانی را با تأکید بر نگاره‌های جامع‌التواریخ بررسی کرده و با واکاوی مفاهیم نهفته در این نگاره‌ها، مؤلفه‌های قدرت و مشروعیت حاکمان ایلخانی را آشکار کنیم.

بر این اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است:

۱- ایلخانان برای مشروعیت طلبی چه اقدامی کردند؟

۲- بازنمود قدرت و گفتمان پادشاهان مغول در نگاره‌های جامع‌التواریخ چگونه بوده است؟

فرض بر این است؛ از آنجا که ایرانیان پیشینه‌ی تاریخی دراز و فرهنگ و تمدن باشکوهی داشتند، ایلخانان برای مشروعیت‌طلبی چاره‌ای به غیر از تصاحب کردن این تاریخ ندیدند. آن‌ها با نگارش و مصورسازی کتاب جامع‌التواریخ، درصدد مشروعیت‌بخشی به حکومت خود بودند. حاکمان ایلخانی به‌منظور عقلانی نشان دادن حاکمیت خود تلاش کردند با پیوستن به دین، مذهب، فرهنگ و هنر قوم مغلوب و همچنین بهره‌گیری از تسامح مذهبی در نگاره‌های جامع‌التواریخ، حاکمیت خود را موجه نشان دهند.

۱. پیشینه پژوهش

برای انجام این پژوهش دو موضوع کلی گفتمان قدرت میشل فوکو و شرایط سیاسی-مذهبی حکومت ایلخانان به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. لذا در پیشینه‌ی این پژوهش به مطالعاتی که در خصوص این موضوعات انجام شده، پرداخته خواهد شد. لازم به ذکر است که جامع‌ترین اطلاعات در خصوص اوضاع سیاسی، مذهبی و اجتماعی دوره ایلخانان در کتاب «جامع-التواریخ» تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۷۴) قابل دسترسی است که شامل تاریخ اقوام، ادبیات و صنایع مستظرفه مغول و سایر خصوصیات دیگر آن‌ها می‌باشد (Fazlullah Hamedani, 1996). همچنین سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه (۲۰۱۵) به تصحیح محمدعلی موحد، گویاترین سند فرهنگی جهان اسلام از قرن هشتم هجری می‌باشد. در این کتاب نه‌تنها سیره و عملکرد طبقات حاکم و نگرش و روش پادشاهان و دیوانیان، بلکه راه و رسم عالمان و فقیهان، مراسم و آداب و تشریفات جاری، چگونگی گذراندن زندگی مردم و در یک کلمه احوال و اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را می‌توان از خلال سفرنامه‌ی ابن‌بطوطه تماشا کرد. سفرنامه‌ی دیگری از کلاویخو (سفیر پادشاه اسپانیا در دربار تیمور) که در سفر خود (بین سال‌های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۶ میلادی) بسیاری از نکات اجتماعی و اداری و سیاسی ایران را بخصوص در روزگار آشفته و پرآشوب فرمانروایی تیمور نوشته است (Rajabniya, 2005). از کتاب‌های مطالعه شده در رابطه با رویکرد نظری این مقاله می‌توان به کتاب میشل فوکو: دانش و قدرت (Foucaul, 1999) اشاره کرد. محمد ضمیران در هشت فصل این کتاب به توضیح مفصل اندیشه و تفکر میشل فوکو می‌پردازد و بیان می‌کند که برای شناخت آراء و عقاید فوکو، نیاز به شناخت رهیافت‌ها و روش‌های خاص او در بررسی و فهم

پدیده‌های فرهنگی–فلسفی است. همچنین در کتاب مراقبت و تنبیه (۱۹۹۹) ترجمه نیکو سرخش و افشین جهان‌دیده، میشل فوکو بسیاری از روش‌های پنهان و خزنده اعمال قدرت را در جهت شکل‌دهی به پیکربندی تفکر انسان و ماشینی ساختن آن آشکار کرده است. سایر مطالعات مربوط به مقالات و پایان‌نامه‌هایی است که نتایج آن‌ها در مجلات معتبر علمی انتشار یافته است: در مقاله‌ای با عنوان «شاهنامه بزرگ، سندی بر گفتمان ایرانی‌گرایی ایلخانان» که توسط رضا افهمی، اصغر جوانی و سید محمد مهرنیا به نگارش درآمده است، تحلیل گفتمانی شاهنامه‌ی بزرگ ایلخانی انجام شده و نتیجه زیر حاصل شده است: در این شاهنامه برقراری ارتباط گفتمان حاکمان ایلخانی با گفتمان شاه آرمانی در فرهنگ ایرانی با هدف مشروعیت‌بخشی به حکومت بوده است (Afhami et all, 2017). در مقاله‌ی دیگری با عنوان «بازاندیشی مفهوم قدرت از دیدگاه فوکو در نقاشی پیکره‌نگاری فتحعلی شاه در آثار مهرعلی» که توسط الهه پنجه باشی به نگارش درآمده است؛ آثار نقاشی مهرعلی، نقاش‌باشی دوره‌ی اول قاجار بر اساس نظریه‌ی قدرت و گفتمان فوکو مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نمایش قدرت در آثار مهرعلی در راستای مسائل سیاسی و نمایش قدرت شاه بوده است (Panjebashi, 2019). معصومه دهقان در مقاله‌ی خود با عنوان «تسامح و تساهل مذهبی مغولان در رویکرد با اندیشه‌های دینی» به فقدان تعصب مذهبی در میان مغولان می‌پردازد و معتقد است که همین فقدان تعصب مذهبی تا چه اندازه در آرامش ملل تابعه بعد از آن مصائب غم‌انگیز حملات خانمان‌سوز مغول اثرگذار بوده است (Dehghan, 2009). در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌های دینی مغولان و تأثیر آن بر ادیان و مذاهب؛ مطالعه موردی شیعیان ایران» که توسط سید محمدعلی پورموسوی، به نگارش درآمده است (Pourmousa, 2014)، نگرش سیاسی–مذهبی حاکمان مغولان مورد بررسی قرار گرفته است که طی آن مشخص گردید: تسامح مذهبی حاکمان ایلخانی، راه برای رشد ادیان و فرقه‌های گوناگون در جامعه را فراهم نموده بود. این امر زمینه را برای رهبران برخی فرقه‌ها فراهم آورد تا بتوانند در سایه این تسامحات، اندیشه‌های خود را پرورش و پیروان زیادی را به سمت خود جلب نمایند. فاطمه صداقت و زهرا خورشیدی در مقاله‌ی خود با عنوان «بررسی مذهبی در نسخ خطی جامع‌التواریخ» نگاره‌های مذهبی و داستان پیامبران از حضرت آدم تا زندگانی پیامبر اسلام (ص) را از حیث زیباشناسی و مضمون در نسخه خطی جامع‌التواریخ مورد بررسی قرار داده است (Sedaghat & Khorshidi, 2009). علیرضا کریمی و منوچهر صمدی‌وند در مقاله‌ی خود با عنوان «سیاست مذهبی حکومت ایلخانی؛ تسامح یا آشفتگی مذهبی؟» با بررسی تمایلات دینی متفاوت و گاه متضاد ایلخانان مغول طی یک قرن حکومت بر ایران، نشان می‌دهند که سیاست‌های آنان بیش از آن‌که متأثر از نگاه تساهلی باشد، به سبب بی‌اعتقادی به هرگونه باور دینی بوده است (Karimi & Samadvandi, 2012). به غیر از مقالات، پایان‌نامه‌هایی نیز در این زمینه به نگارش درآمده‌اند که به شرح زیر قابل اشاره هستند: الهه السادات بزرگی در پایان‌نامه‌ی خود تحت عنوان «مطالعه تطبیقی و جامعه‌شناختی نگاره‌های کتاب جامع‌التواریخ رشیدی و ظفرنامه تیموری» به دنبال یافتن عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر روند تحولات هنری به‌ویژه هنر نگارگری دوره‌ی ایلخانی و تیموری است. او برای این منظور نگاره‌های دو کتاب تاریخی جامع‌التواریخ رشیدی و ظفرنامه تیموری را مورد مطالعه تطبیقی و جامعه‌شناختی قرار داده است (Bozorgi, 2014). در پایان‌نامه‌ای با عنوان «روند تغییر عقاید دینی مغولان ایران در دوره‌ی ایلخانان» نوشته طاهره مقری، از میان مسائل مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی که بعد از حمله مغولان به ایران ایجاد شده بود، تعاملات و گرایش‌های مذهبی مغولان مورد بررسی قرار گرفته است (Maghari, 2012). در این پایان‌نامه به تمامی گرایش‌های مذهبی مغول‌ها اشاره شده است، ولی تمرکز اصلی به سیر تغییر و تحول عقاید مذهبی ایلخانان ایران بوده است. از بررسی سوابق پژوهشی صورت گرفته، این‌گونه دریافت می‌شود که تمامی مطالعات پیشین، به‌منظور بررسی ویژگی‌ها و تحلیل نگاره‌های مکتب نگارگری ایلخانی صورت گرفته است. درحالی‌که در پژوهش حاضر، با به‌کارگیری نظریه قدرت و گفتمان فوکو سعی شده است تا عوامل تأثیرگذار بر مضمون و مفاهیم نگاره‌های کتاب تاریخی جامع‌التواریخ مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۲. مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر با رویکرد گفتمانی و با شیوه‌ی تحلیل گفتمان فوکو انجام شده است و به دلیل ماهیت موضوع، شیوه جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای بوده و در مواردی از منابع الکترونیکی نیز بهره گرفته شده است. جهت این پژوهش از میان نگاره‌های جامع‌التواریخ به شیوه نمونه‌گیری انتخابی، تعداد ۱۲ نمونه با مضامین مذهبی، قدرت، تسامح مذهبی و حماسی رزمی که نمودی از مفهوم قدرت در دوره ایلخانی بودند، انتخاب و با تأکید به نظریه تبارشناسی فوکو مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

۲-۱. تبارشناسی فوکو

۲-۱-۱. مفهوم قدرت از دیدگاه فوکو: میشل فوکو در خصوص مفهوم و چیستی قدرت، درک سلسله مراتبی ساده را رد می‌کند و معتقد است قدرت یک مفهوم ساده ابلاغی از بالا به پایین و دستوری نیست، بلکه در شبکه‌ای از روابط درهم‌پیچیده، ساری و جاری است. همان چیزی که ساختار جامعه را تعیین و آن را مشروع می‌کند (Nawabakhsh et al., 2009). فوکو بیان می‌کند، من سرسخت‌ترین دشمنی هستم که کسی می‌تواند برای ایده‌ی قدرت تصور کند و حتی درباره‌ی قدرت حرف هم نمی‌زنم، من از این سخن می‌گویم که تحلیل مکانیسم‌های قدرت امکاناتی را پیش روی فهم ما می‌گذارد؛ اما تنها به شرطی که از قدرت سخن نگوییم، بلکه از چیزهایی چون ابزارها، وسایل، روابط و فنون قدرت حرف بزنیم که راه را برای سلطه، استیلا، انقیاد و تحمیل باز می‌کنند (Foucault, 2012, p. 98–114). قدرت هرگز امری بیرونی یا وابسته به اقتصاد و غیره نیست. در نظر فوکو قدرت همه چیز است و همه چیز را خلق می‌کند. واقعیت، قلمرو و حدود موضوع، نحوه‌ی کاربرد مفهوم صدق یا حقیقت، حتی خود حقیقت نیز بدون تردید یکی از صور قدرت است (Panjehbashi, 2019, p. 41). پس قدرت قبل از همه چیز، مولد است و ابزاری است در مالکیت دولت که برای تحلیل نظم بر جامعه

مورد استفاده قرار می‌گیرد. قدرت یا متضمن بازدارندگی مشروعی است که بر مبنای قرارداد قانونی ایجاد شده (لیبرال‌ها)، یا قانون‌گذاری و نظارت سرکوبگرانه برای حفظ سلطه‌ی طبقاتی است (رادیکال‌ها) (Nawabakhsh et al., 2009, p. 56). فوکو در نظریه‌ی قدرت خود روشی به نام روش تبارشناسی را طرح می‌کند. مسئله اصلی در تبارشناسی این است که چگونه انسان‌ها با قرار گرفتن در درون شبکه‌ای از قدرت و روابط و دانش به سوژه و ابژه تبدیل می‌شوند. ازنظر فوکو قدرت چنین نیست که در دست حاکمان و در تملک شخص آنان باشد، بلکه حالت رابطه‌ای و شبکه‌ای دارد، قدرت ازنظر وی ماهیت نرم‌افزاری دارد و مشاهده شدنی نیست (Qaderzadeh et al, 2012, p. 107)؛ بنابراین قدرت در انحصار یک شخص، گروه یا طبقه نیست که بتواند به‌طور عریان و به‌صورت یک‌طرفه آن را اعمال کند؛ بلکه همان رابطه‌ای است که به‌صورت رشته‌ها و تارهایی درهم‌پیچیده در اجتماع پراکنده است (Nawabakhsh & Karimi, 2009). قدرت در نزد فوکو بیشتر «یک استراتژی است تا مایملک و اثرهای آن را نه به یک تصاحب، بلکه می‌توان به آرایش‌ها، مانورها، تاکتیک‌ها و عملکردها نسبت داد؛ قدرت بیشتر اعمال می‌شود تا تصاحب» (Mills, 2010, p. 49). قدرت لزوماً با ابزار خشونت‌آمیز اعمال نمی‌شود بلکه یک سخنرانی، نوار کاست، کتاب، اندیشه و نظایر آن می‌توانند منابع قدرت باشند (Qaderzadeh et al., 2012, p. 107). برخی هر نوع قدرت را گرچه بر اساس زور و اجبار صرف باشد مشروع می‌دانند، اما برخی با تمایز میان قدرت مبتنی بر «سنت» یا «رضایت» با قدرت مبتنی بر «زور و غلبه» قدرت نوع دوم را فاقد هر نوع مشروعیت می‌دانند، درحالی‌که قدرت مبتنی بر رضایت یا سنت را دارای نوعی مشروعیت لحاظ می‌کنند (Mehrnia, 2017, p. 6).

۲-۱-۲. مفهوم گفتمان از منظر فوکو: گفتمان، آن‌گونه که در جامعه‌ی دانشگاهی غرب به کار می‌رود، مفهومی است که آنتونیو گرامشی[1] آن را نهفته و میشل فوکو آشکارا به کار برده است. ازنظر فوکو گفتمان چیزی است که چیز دیگر را تولید می‌کند، نه چیزی که در خود و برای خود وجود دارد و به صورتی جداگانه می‌توان تحلیلش کرد (Mehrnia, 2017, p. 77). از دیدگاه فوکو اهمیت گفتمان‌ها در این است که آشکارکننده بازی قدرت در جایگاه‌های مشخص‌اند. گفتمان‌ها بیانگر ایده‌های نظری راجع به جایگاه طبقاتی نیستند، بلکه کنش‌های قدرتی هستند که فعالانه به زندگی و جامعه شکل می‌دهند. این مسئله در تمامی فرآیندهای هنری وابسته به دستگاه قدرت به‌وضوح به چشم می‌خورد؛ قدرت همواره در ساختاری نمادین در حال مبادله است. از یک‌سو اصحاب قدرت و القای حس قدرت وجود دارد و از سوی دیگر در درون متن، تصویر موجودیتی در حال پذیرش این قدرت یا تلاش در راه آرمانی دولتی دیده می‌شود. از سوی دیگر این متن به‌عنوان نمادی از قدرت در مقابل بیننده که به تعبیر ساختارگرایان «سوژه‌ای خالی از فراذهنیت‌ها و پیش‌ذهنیت‌ها نیست» قرار می‌گیرد (Shokrpour et al., 2013, p. 56-57).

قدرت در جهت کسب مقبولیت به‌ناچار باید با دانش پیوند داشته باشد. فوکو علاوه بر قدرت از طریق اعمال قدرت که از آن به اعمال زور تعبیر می‌نماید، به اعمال قدرت از طریق کسب مقبولیت نیز اعتقاد دارد. یکی از رویکردهای قدرت کسب مقبولیت برای پذیرا ساختن خود است که از طریق بهره‌برداری از گفتمان دانش درون جامعه و دست‌کاری آن به نفع گفتمان قدرت و شکل دادن به دانش جدیدی است که فوکو آن را اپیستمه[2] می‌داند. در این شیوه قدرت ناگزیر باید با دانش پیوند داشته و آن را برای کسب مقبولیت خود به کار گیرد. از سوی دیگر ازنظر وی، در هر عصر دانش یا اپیستمه‌ی جدیدی متأثر از این قدرت پدید می‌آید که باور عمومی را در پی داشته و همگان آن را به‌مثابه‌ی حقیقت می‌پندارند. به عبارتی حقیقت هر دوره برساخته‌ی دانشی است که قدرت به آن شکل می‌دهد. (Mehrnia, 2017, p. 14). فوکو معتقد است، گفتمان نه تنها به چیزهایی مربوط هستند که می‌توان درباره‌ی آن‌ها سخن گفت یا اندیشید، بلکه گفتمان‌ها سازنده‌ی موضوع‌ها هستند و در فرآیند این سازندگی مداخله خود را پنهان می‌کنند. معانی و مفاهیم گفتمان‌ها نه از درون زبان، بلکه از درون کارهای تشکیلاتی و ارتباطات قدرت مایه می‌گیرند. فوکو گفتمان را در ارتباط با کارکردش می‌سنجد (Panjehbashi, 2009, p. 41). گفتمان در نزد فوکو، مجموعه‌ای از عناصر زبانی و غیرزبانی است که از یک‌سو با زبان در ارتباط است و از سوی دیگر به ساختارها، روابط و نهادهای اجتماعی بازمی‌گردد. هر گفتمان، یک بازی زبانی است که در اساس با یک ساختار سیاسی، در وسیع‌ترین معنای آن پیوند خورده است و مدعی هرگونه حقیقت و باورها، کنش‌ها و نهادهای متناظر آن است. گفتمان‌ها از آنجا که مدعی عینیت و حقیقت هستند، در ساختار شبکه‌ای که می‌توان آن را با ساختار شبکه‌ای قدرت یکی دانست با یکدیگر پیوند می‌خورند. در جریان این ارتباط است که قدرت از طریق گفتمان اعمال می‌شود و ضد آن به‌وسیله‌ی گفتمان‌های بدیل سامان می‌یابد (Mehrnia, 2017, p. 77). فوکو معتقد است که گفتمان‌ها، نه بیانگر ایدئولوژیک یک جایگاه طبقاتی یا ایدئالیستی پندارها، بلکه بخشی از ساختار قدرت درون جامعه‌اند، بازی قدرت را در جایگاه‌های ویژه آشکار می‌کنند و در چارچوبی کاملاً ماتریالیستی شکل می‌گیرند. آن‌ها کنش‌های قدرت‌اند که زندگی افراد را شکل می‌دهند. فوکو با تأمل در ابعاد بیرونی گفتمان، شرایطی را جستجو می‌کند که گفتمان در آن زندگی می‌کند (Azdanlu, 2001, p. 80).

۳-۱-۲. تاریخ از منظر فوکو: فوکو در مطالعات تاریخی خود صرفاً به بررسی ایده‌ها و عقیده‌ها نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد نشان دهد که عقاید چگونه شکل گرفته‌اند و چه علل و عاملی باعث شکل‌گیری آن شده است. او همواره می‌گوید چطور می‌توان تاریخ را بررسی کرد. چرا که تاریخ از برخوردها، گفتمان‌های ناتمام یا تعامل بین نیروهای مادی تشکیل شده است. درک گفتمانی تاریخ از دیدگاه فوکو با رویکرد دیگران متفاوت است. تاریخ گفتمانی پویا، متغیر، اقتضایی، نامحدود یا تعاملی از نیروهاست. از دیدگاه فوکو، اگرچه تاریخ فاقد معنا است، اما در سایه‌ی قابلیت فهم تخاصم‌ها استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها قابل فهم می‌شود (Falzon, 1999, p. 46). فوکو در دوران حیات فکری خویش به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از شخصیت‌های فکری زیادی تأثیر پذیرفت؛ اما کسی که بیش‌ترین تأثیر را بر اندیشه‌های وی مخصوصاً در زمینه‌ی تاریخ گذاشت، نیچه بود. وی متأثر از نیچه، مفهوم بسیار متفاوتی از تاریخ ارائه داد که کاملاً با

نظریه‌ی پیشرفت در تاریخ مغایرت دارد. وی در نگاه به تاریخ، روند تکامل و پیشرفت را نوعی حرکت از جوامع پیشرفته‌ی عصر حاضر تلقی نمی‌کند، بلکه تاریخ را به‌مثابه‌ی نوسان از یک نظام سلطه به دیگر نظام‌های سلطه می‌داند. البته فوکو منکر پیشرفت و تداوم نیست، بلکه آن را از منظر دیرینه‌شناسی و تبارشناسی نگاه می‌کند (Jamshidiha, 2011, p. 196). از خصوصیات بارز فوکو آن است که در برخورد با تاریخ و تاریخ‌نگاری نقاب مظلومیت و پاکی معرفت‌شناختی مورخ را کنار می‌زند و حقیقت را آشکار می‌سازد. وی این سؤال آزاردهنده را مطرح می‌کند، زمانی که مورخ در جستجوی یافتن ردپاهای تداوم و استمرار در تاریخ گذشته است و علل وقایع گذشته را به عصر تداوم نسبت می‌دهد، چه بلایی بر سر گذشته می‌آورد؟ ازنظر فوکو تاریخ هم‌زمان شکلی از دانش و قدرت است، به تعبیر دیگر، تاریخ ابزاری است برای کنترل و رام کردن گذشته از طریق شناختن آن (shahi, 2005).

۲-۲. جامع‌التواریخ

عظیم‌ترین شاهکار تاریخی که در عصر مغول به رشته‌ی تألیف درآمده و بزرگ‌ترین آثار ادبیات ایران، کتاب جامع‌التواریخ تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که شامل خصوصیات زندگانی و احوال مغول و عصر تسلط ایشان می‌باشد. این کتاب به امر غازان‌خان و الجایتو تحت سرپرستی وزیر معروف همدانی در سال ۷۱۰ هجری قمری فراهم آمده است (Fazlullah Hamedani, 1996, p. 4). رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۷۱۸-۶۴۵ ه.ق) از وزیران روشنفکر در ایران دوره‌ی اسلامی بود که توانست به کمک افکار بلند، با ارائه‌ی برنامه‌های آبادگری تحسین‌برانگیز خود، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی دوران حکومت غازان‌خان و اولجایتو را رقم‌زده و صفحه‌ی درخشانی در تاریخ ایران بعد از حمله مغول پدید آورد (Gofrani, 2006). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی شهرکی به نام ربع رشیدی با ساختمان‌های زیبا و کارگاه‌های منظم در نزدیک تبریز بنا کرد و به دستور غازان‌خان، محققان و هنرمندان ایرانی و خارجی را در آنجا گردآورد. انگیزه اصلی این اقدام، تألیف کتابی مصوّر درباره سرگذشت ملل مختلف و ازجمله مغولان بود. مغولان دریافته بودند که دیگر با زور و خشم نمی‌توان بر مردم حکومت کرد، آن‌ها برای اینکه مردم را مطیع خواسته‌های خود سازند از تاریخ و هنر به‌عنوان ابزاری برای نمایش قدرت و مشروعیت‌طلبی بهره بردند. بدین ترتیب با همکاری گروه‌های مختلف و زیر نظر مستقیم رشیدالدین، مجموعه سترگ جامع‌التواریخ تکوین یافت (Sedagat & Khorsidi, 2009, p. 79). اصل اثر به زبان مغولی و شامل ۳ جلد می‌باشد. جلد اول به تاریخ تیره‌های مغول، ترک و تاریخ فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان او درباره‌ی حکام مغول در ایران تا عهد اولجایتو (زمان مرگ غازان‌خان) است. جلد دوم و سوم درباره‌ی تاریخ اولجایتو به بعد و همچنین تاریخ پیامبران از آدم تا حضرت محمد (ص)، تاریخ ایران تا پایان دوره ساسانیان و سایر فرمانروایان بعد از اسلام تا زمان لشکرکشی مغولان و تاریخ اقوامی مانند آغوزها، چینی‌ها و هندی‌هاست که در این بخش به زندگی بودا اشاره می‌شود که در تاریخ اسلام بی‌نظیر است و همچنین به تاریخ فرنگ، روم، قیصرها، جهان مسیحیت و پاپ‌ها پرداخته شده است (Yazdanpanah, et al., 2009, p. 5). همان‌طور که اشاره شد؛ افتخار پیدایش کتاب جامع‌التواریخ به غازان‌خان تعلق دارد. این پادشاه پیش‌بینی می‌نمود که با وجود تفوق و برتری مغولان در ایران، در طول ایام ناگزیر در عنصر ایرانی مستحیل خواهند شد و بنابراین خواست برای اعقاب، یادگاری از اعمال خویش به‌صورت تاریخی جامع که شامل فتوحات ایشان باشد به‌جای بگذارد (Fazlullah hamedani, 1996, p. 10). غازان‌خان می‌دانست استفاده از مذهب، ابراز علاقه به هنر و تجارت و بهبود زندگی مردم، به راهبردی برای نفوذ در قلب مردم بدل می‌شود و تصاحب تاریخ این ملت می‌تواند کارآمدترین وسیله برای کم کردن این فاصله باشد (Afhami et al., 2017, p. 59)؛ بنابراین جلوس غازان‌خان آغاز تجدید حیات و استقلال ایران شد (Mortazavi, 2006, p. 11). این دوره برای شیعیان دوره‌ای قرین آرامش و موفقیت بود، ازجمله مراسم خاص شیعیان برگزار می‌شد و شیعیان در اظهار عقیده با آزادی عمل می‌نمودند (Pourmosavi, 2014, p. 76). پذیرش سنت قدرت در تمدن اسلامی به‌جای سنت رایج مغولان، راهبردهای تازه‌ای پیش روی غازان‌خان قرار داد. همچنین فاصله میان حکام مغول و مردم نیز برداشته و مشروعیت حکومت تأمین شد (Afhami et al., 2017, p. 59). مغولان قبل از این از راه غارت و غنیمت‌های جنگی و تا حدودی نیز تجارت، درآمد خود را به دست می‌آوردند، ولی در زمان غازان غنیمت و غارتی در کار نبود و از طرفی مالیات‌های سنگین و مکرر، مردم را دربه‌در کرده و کشاورزی و دامداری از رونق افتاده بود؛ ازاین‌رو نه‌تنها غازان، بلکه هر کس دیگری نیز حاکم می‌گردید چاره‌ای جز بازنگری در سیاست‌های خود نداشت؛ بنابراین برای اینکه حکومت خود را پابرجا نگه دارد به حمایت مردم نیاز داشت (Barani, 2002). قبل از آن‌که تألیف تاریخ مغول به دست رشیدالدین به پایان برسد، غازان‌خان در تاریخ ۱۷ مه ۱۳۰۴ میلادی وفات یافت، ولیکن جانشین او الجایتو امر فرمود که خواجه آن را به آخر برساند و همان‌طور که در بدو امر در نظر داشته است، به نام غازان موشح نماید. از اینجا است که این قسمت از کتاب که عموماً به جلد اول معروف است، غالباً به اسم غازانی نام دارد و نیز الجایتو مؤلف را فرمود که جلد دیگری بر آن بیفزاید و آن را شامل تاریخ عمومی عالم بالأخص ممالک اسلامی قرار دهد و همچنین جلد سومی مشتمل بر مسائل جغرافیایی بر آن اضافه کند (Fazlullah hamedani, 1996, p. 10). از آنجا که کتاب جامع‌التواریخ با هدف مشروعیت‌طلبی مغولان به حکومت خود نگاشته و مصورسازی شده است، به بررسی مؤلفه‌های قدرت و مشروعیت حاکمان ایلخانی در این کتاب می‌پردازیم تا با آشکار شدن مؤلفه‌های قدرت به تحلیل نگاره‌ها بپردازیم.

۳-۲. مؤلفه‌های مشروعیت‌خواهی حاکمان ایلخانی

هر نظام سیاسی نیاز به مشروعیت[۳] دارد تا به نحوی افراد جامعه را مطیع خواست خود گرداند. مشروعیت بر اساس منشأ قدرت شکل می‌گیرد (Rabinz, 2005: 722). حاکمان مغولی نیز به اهمیت این مسئله پی‌برده بودند و به‌منظور عقلانی نشان دادن حاکمیت خود، با پیوستن به دین و مذهب، فرهنگ و هنر قوم مغلوب سعی در موجه نشان دادن حاکمیت خود داشتند.

برخی هر نوع قدرت را گرچه براساس زور و اجبار صرف باش مشروع می‌دانند، اما برخی با تمایز میان قدرت مبتنی بر «سنت» یا

«رضایت» با قدرت مبتنی بر «زور و غلبه» قدرت نوع دوم را فاقد هر نوع مشروعیت می‌دانند، درحالی‌که قدرت مبتنی بر رضایت یا سنت را دارای نوعی مشروعیت لحاظ می‌کنند. درباره‌ی خاستگاه مشروعیت، سه گزینه مطرح شده است: دین و ارزش‌ها، سنن موروثی مقدس و عقل خود بنیاد (weber, 1988, p. 17). حاکمان اولیه‌ی مغول نیز ابتدا با اعمال خشونت و سلطه، اقتدار مغولی را در قالب قوانین یاسائی[۴] بر قوم مغلوب دیکته می‌کردند (Mehrnia, 2017, p. 1)، اما مغولان پس از دوران چنگیزی–هولاکویی (۶۶۳–۶۱۸ ه.ق) اقتدار خود را در پرده‌ای از مشروعیت مبتنی بر باورهای ایرانی عرضه داشتند و برخلاف خشونت و سلطه‌ی اولیه‌ی ناشی از اجرای قوانین یاسا، با اسلام آوردن مفهوم تازه‌ای به قدرت بخشیدند و در راستای همنوایی با قوم مغلوب درآمدند (Afhami et al., 2017, p. 58). حاکمان ایلخانی یکی از راه‌های اثبات قدرت و عظمت خود به مردم را به‌جای زور و شمشیر، بهره بردن از مؤلفه‌های گفتمان قدرت در کتب تاریخی می‌دانستند (Mehrnia, 2017, p. 107). مؤلفه‌های قدرت و مشروعیت حاکمان ایلخانی در کتاب جامع‌التواریخ:

۱-۳-۲. گرایش به دین اسلام جهت مشروعیت ایلخانان: ایلخانان قومی نامسلمان بودند که هیچ پیوند دینی و فرهنگی با جامعه‌ی ایران نداشتند و ملاک کسب تداوم و قدرت آن‌ها، نه مشروعیت و مقبولیت دینی، بلکه زور و شمشیر و تحمیل بود. حکومت آن‌ها که ماهیتی نظامی داشت، نشأت گرفته از حیات ایلی و کوچ‌نشینی بود. این نوع حکومت گرایش به گریز از مرکز داشت و سیاست و اقتصاد را از این منظر می‌نگریست و با گرایش ایجاد حکومت متمرکز و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و یکجانشینی ایرانی در تضاد بود. تداوم گرایش به گریز از مرکز در درازمدت نمی‌توانست متناسب با مصالح حکومت ایلخانان باشد و آنان را ازنظر اقتصادی و سیاسی با چالش روبه‌رو می‌ساخت. از طرف دیگر در جامعه دین‌محور ایران و براساس اندیشه‌های ایرانشهری، مشروعیت نظام‌های سیاسی مبتنی بر اصول فرمانروایی الهی و همگرایی دین و دولت بود و حاکمیت ایلخانان نامسلمان در ایران با این اصول سنخیتی نداشت. لذا ضرورت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حاکمان ایلخانی را بر آن داشت که در جهت مصالح خویش به اسلام روی آورند (Azami, 2009). ایلخانان با پذیرش اسلام درصدد به دست آوردن نظر مثبت مسلمانان بودند تا مردم قلمرو حکومتشان آنان را کافر و خارج از دین ندانند و با مصر بر ضد ایلخان همکاری نداشته باشند (Barani, 2002).

۲-۳-۲. مشروعیت براساس نشان دادن قدرت و عظمت شاهی: مسئله‌ی دیگر قدرت در نگاه فوکو، اعمال غیرمستقیم قدرت از طریق فرهنگ است که در کتاب جامع‌التواریخ قدرت توسط نگاره‌ها اعمال می‌شود (Panjehbashi, 2009, P. 44). نگارگری کتاب تاریخی جامع‌التواریخ یکی از سازوکارهایی است که در فرهنگ تصویری آن زمان به‌عنوان ابزاری قدرتمند به کار گرفته شده است. حاکمان ایلخانی برای نشان دادن قدرت، شوکت، عظمت و ثروت خود نه از زور و خشونت بلکه از المان‌های قدرت مانند شمشیر، تخت پادشاهی، سایبان و غیره در نگاره‌های کتب جامع‌التواریخ استفاده کرده‌اند.

۳-۳-۲. مشروعیت براساس تسامح مذهبی: غازان‌خان برای ایجاد برابری قدرت بین گروه‌های مختلف مذهبی و دینی موجود در ایران، به همه‌ی گروه‌ها فرصت و مجال تبلیغ مذهب خود را می‌داد. در هر حال گرچه توجه او به شیعه بیشتر نمایان بوده و شاید واقعاً گرایش به تشیع داشته است، ولی برای آن‌که یک مذهب و دین در دربار و قلمرو او حاکم مطلق نباشد و از سوی دیگر پیروان همه مذاهب و ادیان را در جامعه با خود همراه کند، از این‌رو به شیعیان، اهل سنت، مسیحیان و یهودیان توجه می‌کرده است (Dehgan, 2009). از طرف دیگر در دوره‌ی حکمرانی ایلخانان غیرمسلمان (۶۵۶–۶۹۳ ه.ق)، پس از مرگ هر ایلخان، صاحبان ملل و ادیان تلاش می‌کردند با متمایل کردن ایلخان جدید به آیین خود زمینه‌ی برتری آیینشان را فراهم کنند و به‌نوعی قدرت را در دست گیرند (Pourmosavi, 2014, p. 59). امیر نوروز و شیخ صدرالدین حموی در اسلام آوردن غازان نقش مؤثری داشتند و حتی خود رشیدالدین و دیگران نقل می‌کنند که این دو نفر با غازان شرط بستند که اگر اسلام بیاوری، ما چنین و چنان می‌کنیم تا به حکومت برسی (Barani, 2002). همچنین برای مصورسازی جامع‌التواریخ به دستور غازان‌خان هنرمندان از تمامی کشورها فراخوانده شدند که این حرکت نوعی تسلط به‌تمامی ادیان (تسامح دینی) و پیوند تاریخ مغولان با ادیان و پیامبران و صالحان بود (Dehghan, 2009). هنرمندان چینی و سایر هنرمندان بیگانه نقاشی را محلی برای تبلیغ ادیان بودایی و مسیحی می‌دیدند، نگارگران مسلمان نیز بر آن شدند تا در خلق آثار خود به موضوعات اسلامی همچون میلاد پیامبر(ص)، مبعث و غیره توجه بیشتری مبذول دارند و دین خود را با قدرت بیشتر نشان دهند (Yazdanpanah, et al., 2009, p. 6). از نکات مورد توجه و مهم این اثر، توجه به مضامین مذهبی، به‌ویژه مضامین اسلامی و مصور کردن چهره پیامبر (ص) است که تا قبل از دوره ایلخانی نه‌تنها مورد توجه نبوده بلکه تا حدودی ممنوعیت نیز داشته است (Sedagat & Khorshidi, 2009, p. 96). بنابراین تصویر پیامبران برای اولین بار در هنر اسلامی در دست‌نوشته‌های جامع‌التواریخ آورده شده است (Yazdanpanah, et al., 2009). این فرآیند تدریجی مغلوب بر غالب، با سیطره مغول بر ممالک متمدن چین و ایران، اقامت در شهر و تغییر آداب مغولی و با تقلید ظواهر آداب بلاد تحت سلطه آغاز شد و به مرور به مغلوب شدن آنان و دست برداشتن از عقاید، آیین و مراسم اجدادی انجامید. وزرا و ارباب هنر چینی و ایرانی انتقام خود را به قوه‌ی تدبیر گرفتند و زبان، مذهب و اصول حکومت خود را بر ایشان تحمیل کردند (Afhami et al., 2017, p. 58). این فرایند ناخوشایندی نبود، زیرا آنان می‌توانستند از این سنن برای زمینه مشروعیت و فرمان‌برداری مردم بهره‌برداری کنند (Abville, 1992, p. 81).

۴-۲. مطالعه‌ی تحلیلی قدرت فوکو در نگاره‌های جامع‌التواریخ

قدرت بر اساس مشروعیت، بر دو پایه‌ی اساسی ماندگاری خود را تضمین می‌کند. ابتدا نیاز به سازمان‌دهی و دیگری رعایت اعتقادات مردمی که زیر نفوذ قدرت هستند. نمایش روند سازمان‌دهی کشور توسط مغولان و پذیرش باورهای مردم، نمایانگر حالت انفعالی این قوم در مقابل قوم مغلوب است. حالتی که از احساس نیاز دوجانبه

فرمانروایان به ماندگاری نشأت گرفته و فرمان‌بران را به محدودیت‌سازی خشونت واداشته است. مطابق بسیاری از آراء متفکران در باب مشروعیت، اقتدار حکومتی را مبتنی بر رضایت حکومت‌شوندگان می‌دانند. اما حاکمی که از پشتوانه‌ی مردمی برخوردار نباشد لاجرم به زور متوسل شده و چنین نظامی را دیکتاتوری می‌نامند. تاریخ حکومت مغولان نمونه‌ی بارز این دیکتاتوری‌اند، اما خصائل مشترک همه‌ی این زورمندان توسل به زور و اجبار نبود، بلکه پشتیبانی از قوم مغلوب شده را در پیش گرفتند. حاکمان متأخر ایلخانی دریافتند که با جبر و اجبار نمی‌توان به حکومت خود استمرار دهند، بنابراین رویه‌ی مشروعیت‌سازی را پیشه کرده و در این راه نیز از ابزارهای گوناگون جهت توجیه مقاصد خود گام برداشتند (نمودار ۱) (Mehrnia, 2017, p. 62).

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، نگارش و مصورسازی جامع‌التواریخ یکی از روش‌هایی بوده که ایلخانیان با هدف مشروعیت‌بخشی به حکومت خود از آن بهره بردند. در این کتب به تاریخ فرمانروایی چنگیزخان و جانشینان او درباره‌ی حکام مغول در ایران تا عهد اولجایتو، تاریخ پیامبران از آدم تا حضرت محمد (ص)، تاریخ ایران تا پایان دوره ساسانیان و سایر فرمانروایان بعد از اسلام تا زمان لشکرکشی مغولان و تاریخ اقوامی مانند آغوزها، چینی‌ها و هندی‌ها پرداخته شده است. ایلخانان در کتب جامع‌التواریخ با پیوند و هم‌ردیف کردن تاریخ فرمانروایی و پیروزی‌های خود با تاریخ کهن و باارزش ایران به دنبال نوعی مشروعیت بخشی به خود بودند تا مردم را مطیع خواسته‌های خود گردانند.

حال به بررسی مؤلفه‌های گفتمان قدرت در نسخه مصور جامع‌التواریخ می‌پردازیم تا نحوه‌ی بازتاب بیان قدرت و مقبولیت ایلخانان در نگاره‌های این کتاب مشخص شود.

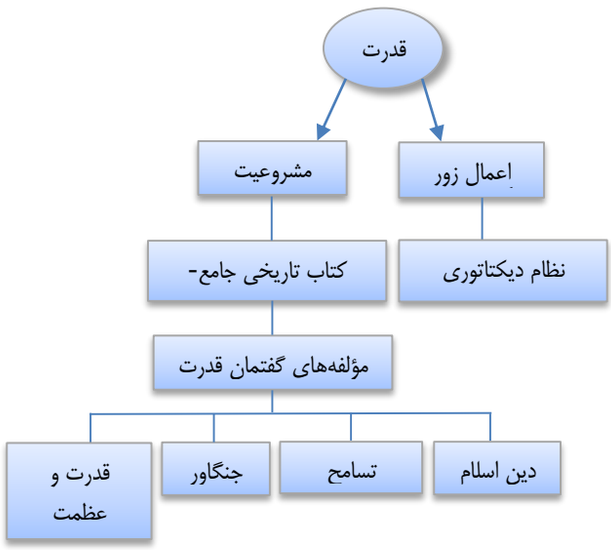

نمودار ۱: نمودار گفتمان قدرت در کتاب جامع‌التواریخ
Graph. 1: a diagram of power discourse in the History of Society

۱-٤-۲. مشروعیت‌خواهی از طریق گفتمان اسلامیت: غازان‌خان مقارن با حاکمیت خود در ایران، جهت مشروعیت بخشیدن به چهره سیاسی خود، از کیش و آئین پیشین خود دوری جسته و دین اسلام را پذیرا شد. این اتفاق که در اولین روز تاج‌گذاری غازان‌خان به وقوع پیوسته است، به‌قدری ازلحاظ سیاسی دارای اهمیت بوده است که غازان‌خان آن را در نگاره جامع‌التواریخ جاودانی ساخته است (شکل ۱). غازان در این تصویر از بنای مسجد خارج شده و به تختگاه خود وارد می‌شود. دو روحانی نیز در کنار مسجد ایستاده‌اند و غازان را بدرقه می‌کنند. علاوه بر این غازان‌خان در نگاره‌ای دیگر (شکل ۲) به حالت تفکر در حال قرائت قرآن است. حاکمان اسلامی زمانی در نگاه مردم عامی می‌توانستند جایگاه واقعی خود را داشته باشند که قدرت جسمانی و معنوی را به‌طور همزمان در وجود خود داشته باشند. غازان‌خان با کشورگشایی‌ها و اصلاحات اساسی که در کشور ایجاد کرده بود، درایت و شایستگی خود را اثبات کرد ولی مقبولیت معنوی و مذهبی آن در گرو دین اسلام و سعی در تبلیغات آن بود. غازان‌خان به‌خوبی از دانش سیاسی خود برای کسب مقبولیت خود بهره جست و با زبانی از نوع هنر حماسی-دینی این مقبولیت را برای خود کسب نمود. غازان‌خان به‌درستی از باورها و فرهنگ موجود در محیط بهره گرفت تا مشروعیت و اقتدار خود را در آن قالب عرضه کند و از این طریق پایه‌های حکومت خود را تحکیم نماید. از منظر فوکو، قدرت از دانش به‌عنوان ابزاری برای اعمال قدرت سود می‌جوید و از سوی دیگر دانش قادر است بدل به مرجعی برای بروز قدرت گردد (Mehrnia, 2017, p. 14).

۲-٤-۲. مشروعیت براساس جنگاوری و نشان دادن قدرت و عظمت شاهی: «حمله مغولان به چین» که در سال (۸۳۳ ه.ق/۱۴م) مصور شده است؛ (شکل ۳)، نمایش قدرت در قالب تصاویر جنگی و نبرد و نیز به رخ کشاندن شجاعت و دلیری مغولان را در نگاره‌های جامع‌التواریخ نشان می‌دهد. این اقتدار در جامع‌التواریخ به همراه شگردهای جنگی و دلیری‌های مغولان به‌عنوان بزرگ‌ترین مقتدران جنگی به نمایش گذاشته شده است. در این نگاره هنرمند صحنه‌ی فرار چینیان از دست سپاه مغول را نشان می‌دهد. فرمانده سپاه مغول که احتمال می‌رود چنگیزخان باشد، با شمشیرش کلاه و زره یکی از سپاهیان چین را به زمین انداخته است و حس برتری نظامی مغولان به بیننده منتقل می‌شود. همچنین در (شکل ۴) با عنوان «چنگیز وارد پکن می‌شود»، نگارگر ورود چنگیز به قلمرو پهناورش

چین را نشان می‌دهد. حضور چنگیز در مرکز تصویر، جلوتر از سپاهیان و ورود او به سرزمین چین که آن را تصاحب کرده است، نشان از قدرت پادشاهی او می‌باشد. مغولان پیش از ایران، کشور چین را فتح کرده بودند و با فتح این کشور وارث یکی از بزرگ‌ترین و ثروتمندترین کشورهای جهان شده بودند.

درنتیجه حاکمان ایلخانی به این موضوع پی برده بودند که هیچ فردی هر اندازه هم که زورمند باشد نمی‌تواند با شمشیر و اسلحه بر مردم فرمانروایی کند، مگر اینکه قدرت نظامی خویش را در نظر مردم به‌حق و مقتدر جلوه دهد و بدین طریق به قدرت خویش مشروعیت بخشد. براساس این تجربه، کتاب جامع‌التواریخ و نگاره‌های آن به ابزاری برای ارائه و نمایش این برتری و ویژگی‌های حاکمان ایلخانی بدل شد تا قدرت و عظمت شاهی این قوم در مقایسه با قوم‌های مغلوب، بیش‌تر از پیش خود را بر مردم جامعه آن عصر به نمایش گذاشته شود. به باور فوکو قدرت لزوماً با ابزار خشونت‌آمیز اعمال نمی‌شود بلکه یک سخنرانی، نوار کاست، کتاب، اندیشه و نظایر آن می‌توانند منابع قدرت باشند.

مشروعیت براساس نشان دادن قدرت و عظمت توسط حاکمان ایلخانی در نگاره‌های دیگری نیز اعمال شده است. در (شکل ۵) با عنوان «پادشاه مغول در راه کشورش»، حاکم ایلخانی سوار بر اسب سفید و درباریان و سپاهیانش در پشت سر او به تصویر کشیده شده‌اند. شاه جلوتر از سپاهیان و در مرکز تصویر نشان داده شده و یکی از ملازمان برای پادشاه خود سایبانی نگه‌داشته است. سایبان در نگاره‌ها به معنای تقدس و والامقامی است؛ بنابراین وجود سایبان بالای سر این پادشاه ایلخانی نیز می‌تواند بر جایگاه والای پادشاه تأکید کند (Bozorgi, 2014, p. 77). در (شکل ۶)، «چنگیز و پسران» در قرن ۸ ه‌ق/۱۴م به تصویر کشیده شده است. چنگیز در چادری فاخر جلوس کرده است. چادر مجلل با پارچه‌های اعلاء و همچنین تاج‌وتخت نشانه‌ی ثروت پادشاه و قرار گرفتن در مرکز تصویر، نشان از قدرت او می‌باشد. همچنین در (شکل ۷) پادشاه مغول در دشتی به همراه سپاهیانش به تصویر کشیده شده است. مؤلفه‌های قدرت در گفتمان این نگاره، شاه جلوتر از سپاهیان و در مرکز تصویر نشان داده‌شده‌اند. (شکل ۸) «هولاکوخان و همسرش دوقوزخاتون»، متن بالای تصویر اشاره به جشن و مجلسی دارد، مؤلفه‌های قدرت در گفتمان نگاره تجملات زیاد، تخت و تصویر پادشاه در مرکز تصویر می‌باشد؛ بنابراین، نشان دادن حاکمان ایلخانی (چنگیزخان، هولاکوخان، اباقاخان، غازان‌خان و الجایتو) در مرکز نگاره‌ها و تلاش در جهت هرچه باشکوه‌تر نشان دادن نظام حکومت ایلخانی از نشانه‌های گفتمان قدرت در این نگاره‌ها می‌باشد. مقصود از گفتمان قدرت، نمایش اقتدار و شوکتی است که حاکم ایلخان از آن سود جسته تا به هستی و موجودیت مقبولیت ببخشد. همچنان که در گفتمان قدرت، قدرت در شکل‌های گوناگون وارد شده و با کارکردهای متفاوت سعی در ایجاد دانش و حقیقت دارد؛ دانشی که قدرت ایجاد می‌نماید، برساخته‌ای گفتمانی است که خود توجیه‌گر کردارهای گفتمانی می‌باشد و موجب القای شکل خاصی از حقیقت و دانش می‌گردد (Mehrnia, 2017, p. 107). فوکو معتقد است که گفتمان‌ها، نه بیانگر ایدئولوژیک یک جایگاه طبقاتی یا ایدئالیستی پندارها، بلکه بخشی از ساختار قدرت درون جامعه‌اند، بازی قدرت را در جایگاه‌های ویژه آشکار می‌کنند و در چارچوبی کاملاً ماتریالیستی شکل می‌گیرند (Azdanlu, 2001, p. 80). گفتمان‌ها از آنجا که مدعی عینیت و حقیقت هستند، در ساختار شبکه‌ای که می‌توان آن را با ساختار شبکه‌ای قدرت یکی دانست با یکدیگر پیوند می‌خورند. در جریان این ارتباط است که قدرت از طریق گفتمان اعمال می‌شود (Mehrnia, 2017, p. 77).

مذهب یهود نیز در زمان ایلخانان از رواج فراوانی برخوردار بود و حتی در برهه‌ای از تاریخ ایلخانی وزیران یهودی زمام امور را در دست گرفتند. انعکاس این امر در برخی از نگاره‌های مذهبی جامع‌التواریخ که به شرح زندگی انبیاء، اولیاء و پهلوانان مذهبی قوم یهود می‌پردازد، نمایان است (Sedaghat & Khorsidi, 2009, p. 82).

در میان دانشمندان و محققانی که به‌وسیله رشیدالدین برای تدوین تاریخ جهان گرد هم آمده بودند، کمالشری یک راهب بودایی اهل کشمیر بود که اطلاعاتی درباره‌ی زندگی بودا فراهم کرد (Sedaghat & Khorsidi, 2009, p. 89).

۳-٤-۲. مشروعیت براساس تسامح مذهبی: قبل از حضور حاکمان ایلخانی در ایران، تعصبات شدید مذهبی بر کشور حاکم بود به‌طوری‌که در شهر اصفهان به‌عنوان پایتخت سلجوقیان، چندین بار فرقه‌های مختلف مذهبی عبادتگاه‌ها و مساجد یکدیگر را تخریب نموده و به آتش کشیده بودند. این امر ازلحاظ سیاسی و اجتماعی کشور را به‌شدت در معرض ضعف سیاسی و اقتصادی قرار داده بود و از طرفی دیگر به اختلافات داخلی منجر شده بود که به‌شدت زندگی روزانه مردم را مختل نموده و آن‌ها را با مخاطرات جدی مواجه ساخته بود. همچنین هم‌زمان با دوره سلجوقیان، وجود دستگاه خلافت عباسی در عراق –که سلجوقیان به‌عنوان حکومتی نیمه‌مستقل تابع آن‌ها بوده‌اند– و فاطمیان در مصر –به‌عنوان دشمن سرسخت سلجوقیان– به‌شدت جامعه و حاکمیت ایرانی را تحت‌فشار قرار داده و کشور را در مسیر مقابلات سیاسی و مذهبی با این خلافت‌ها سوق داده بود. پس از حمله مغول و نابودی این دشمنان دیرینه، تمرکزات سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی از هم پاشید و راه برای ایجاد ثبات سیاسی و مذهبی فراهم گردید. حاکمان ایلخانی رهایی مردمان از دست این تعصبات شدید مذهبی در سایه ورود مغول‌ها را در نگاره‌های جامع‌التواریخ جاودانه ساخته و خود را به‌عنوان منجی که توانسته بودند باعث ثبات سیاسی و مذهبی در کشور بشوند، به جامعه معرفی می‌نمایند. علاوه بر آن، توجه به رهبران برخی فرقه‌های مذهبی که در میان مردمان عامی و عادی از جایگاه والایی برخوردار بوده‌اند نیز سبب کسب قلوب مردمان نسبت به حاکمان ایلخانی شد. حتی در مواردی حاکمان ایلخانی خودشان با عنوان شیخ در این دوره مطرح بوده‌اند که شیخ ابواسحاق اینجو از نمونه‌ی بارز آن‌ها به شمار می‌آید. نگاره‌های موجود در (اشکال ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲)، نگاره‌هایی از مذاهب مختلف در دوره‌ی ایلخانان را نشان می‌دهد. همان‌طور که در مبانی نظری پژوهش اشاره شد، قدرت در انحصار یک شخص، گروه یا طبقه نیست که بتواند به‌طور عریان و به‌صورت یک‌طرفه آن را اعمال کند؛ بلکه همان رابطه‌ای است که به‌صورت رشته‌ها و تارهایی درهم‌پیچیده در اجتماع پراکنده است (Navabakhsh & Karimi, 2009). (شکل ۹) میلاد پیامبر (ص)، تبلیغ دین اسلام در جامع‌التواریخ توسط مسلمانان، لحظه به دنیا آمدن پیامبر (ص) را در سال عام‌الفیل نشان می‌دهد که ازلحاظ ویژگی‌های بصری در نوع خود بی‌نظیر است.

شکل ۱: به اسلام گرویدن غازان خان، هرات ۸۲۹ ه.ق/ ۱۴۲۶م، کتابخانه ملی پاریس (Graber, 2004, 40)

Fig. 1:Ghazan Khan converted to Islam, Herat 829 AH / 1426 AD, National Library of Paris (Graber, 2004, 40)

شکل ۲: غازان‌خان در حال قرآن خواندن، قرن ۸ ه.ق/ ۱۴م

Fig. 2: Ghazan Khan reciting the Qur'an, 8th century AH / 14 AD

شکل ۳: حمله مغولان به چین، ۸۳۳ ه.ق/۱۴م

Fig. 3: Mongol invasion of China, 833 AH / 14 AD

شکل ۴: چنگیز وارد پکن می‌شود، مصور شده در قرن ۸ ه.ق/۱۴م

Fig. 4:Genghis arrives in Beijing, illustrated in the 8th century AH / 14 AD

شکل ۵: پادشاه مغول در راه کشورش، تبریز، قرن ۸ ه.ق/۱۴م

Fig. 5: The Mongol king on the way to his country, Tabriz, 8th century AH / 14 AD

شکل ۶: چنگیز و پسرانش، قرن ۸ ه.ق/۱۴م

Fig. 6: Genghis and his sons, 8th century AH / 14 AD

شکل ۷: هولاکوخان و سپاهیانش، اثر منسوب به صیف‌الوحید، هرات، ۸۳۳-۸۳۷ ه.ق/۱۴۳۰-۱۴۳۴م

Fig. 7: Holakukhan and his troops, a work attributed to Saif al-Wahid, Herat, 833-837 AH / 1430-1434 AD

شکل ۸: هولاکوخان و همسرش دوقوزخاتون، قرن ۸ ه.ق/۱۴م

Fig. 8: Holakokhan and his wife Duguz Khatun, 8th century AH / 14 AD.

شکل ۹: میلاد پیامبر (ص) (PBUH).

Fig 9: Birth of the Prophet (PBUH).

شکل ۱۰: بشارت ولادت حضرت مسیح (Sedagat & Khorsidi, 2009, p. 91)

Fig 10: The good news of the birth of Christ (Sedagat & Khorsidi, 2009, p. 91).

شکل ۱۱: فراز آمدن فرشتگان الهی بر حضرت ابراهیم (سارا در چادر و پذیرایی ابراهیم از سه مرد)

Fig. 11: The Ascension of the Divine Angels on Abraham (Sarah in Abraham's tent and reception of three men)

شکل ۱۲: بودا و شیطان

Fig. 12: Buddha and Satan

نتیجه‌گیری

از آنجایی که میان مغولان و مردم ایران هیچ‌گونه مؤانست و پیوندی وجود نداشت و کشتار و قتل‌عام مردم باعث تنفر و بدبینی نسبت به آن‌ها شده بود، شکاف عمیقی بین حاکمان مغول و مردم ایجاد شده بود به همین خاطر ایلخانان برای رفع این بدبینی و نزدیکی به مردم مجبور بودند خود را با جامعه ایرانی تطبیق دهند. دلیل این فرآیند تطبیق با تمدن ایرانی، مشروعیت‌بخشی حکومت ایلخانان در چشم مردم بود. از آنجا که در هر جامعه‌ای، منابع مشروعیت با توجه به فرهنگ و سنت آن جامعه تعریف و توجیه می‌شود، بر این اساس مغولان که بر کشوری سلطه یافته بودند که پیشینه‌ی تاریخی دراز و فرهنگ و تمدن باشکوهی داشت، آن‌ها برای مشروعیت‌طلبی چاره‌ای به غیر از تصاحب کردن این تاریخ ندیدند. مغولان با تصاحب تاریخ ایران که عنصری مهم برای ایرانیان بود، حمایت مردم را به دست آوردند. دغدغه مشروعیت و روش‌های نهادینه کردن آن، ایلخانان را مجبور کرد تا برای اثبات مشروعیت خودشان از مورخان و هنرمندان بهره گیرند؛ بنابراین دوره‌ی سلطنت غازان‌خان تا پایان عصر ایلخانان (۷۳۶-۷۱۶ق) را باید دوره‌ی غلبه‌ی فرهنگ ایرانی اسلامی دانست که تلاش ایلخانان برای سازگاری با فرهنگ ایرانی را در پی داشت.

پس از برقراری آرامش نسبی در کشور و شروع بازسازی‌ها به کمک وزرای قدرتمند ایلخانان، گفتمان مغولان در قالب آثار هنری نیز پدیدار گردید. هنرهای وابسته به دستگاه‌های حکومت همواره یکی از راه‌های ایجاد بسترهای گفت‌وگو و نمایش قدرت بود و از آنجا که در ادوار گذشته هنر در خدمت دربار و از مقبولیت و پذیرش عمومی نیز برخوردار بود، ایلخانیان نیز کوشیدند از آن به‌عنوان ابزار و رسانه‌ای جهت کسب مشروعیت و بیان قدرت بهره‌گیری کنند. یکی از ابزاری که با هدف مشروعیت‌بخشی توسط مغولان صورت گرفت، نگارش جامع‌التواریخ توسط خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بود. میشل فوکو معتقد است یکی از رویکردهای قدرت، کسب مقبولیت برای پذیرا ساختن خود است که در نگاره‌های جامع‌التواریخ مشاهده کردیم که ایلخانان برای اعمال قدرت از طریق کسب مقبولیت، با شجره‌نامه سازی، انتساب سلاله‌ی خود به پادشاهان کهن و نیز هم‌ردیف کردن خود با پیامبران و ائمه (ع)، درصدد نسبت دادن خود به تاریخ کهن ایران برآمدند. آن‌ها به‌منظور عقلانی نشان دادن حاکمیت خود، با پیوستن به دین و مذهب، فرهنگ و هنر قوم مغلوب و تسامح مذهبی و همچنین استفاده از المان‌های قدرت و نمایش قدرت در قالب تصاویر جنگی و نبرد در کتب جامع‌التواریخ سعی در موجه نشان دادن حاکمیت خود داشته‌اند؛ بنابراین، پرواضح است که سازگاری با فرهنگ و تمدن ایرانی و به عبارت دیگر ایرانی شدن حکمرانان و ابراز علاقه‌ی آن‌ها به هنر عنصر مهمی برای حضور و نفوذشان در قلب مردم و مشروعیت بخشی به خود بوده است.

پی نوشت

۱. آنتونیو گرامشی: روشنفکر و سیاست‌مدار کمونیست ایتالیایی، یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان بزرگی که نظریاتش به‌شدت بر مطالعات فرهنگی، مارکسیسم ایتالیا و اروپا تأثیرگذار بود (Sardar, 2014).

۲. اپیستمه: از مجموعه چند حکم در کنار یکدیگر یک صورت‌بندی و شبکه‌ی دانایی مربوط به آن روال‌ها تشکیل می‌شود که به آن اپیستمه می‌گویند؛ به عبارت دیگر، آرایش‌های گفتمانی و روابط میان گفتمان‌های موجود در یک جامعه که برای تحلیل جامعه به سراغ آن‌ها می‌رویم؛ همان اپیستمه است. اپیستمه مجموعه دانستنی‌های یک دوره نیست، بلکه مجموعه‌ی پیچیده‌ای است از روابط میان دانش‌های تولید شده در یک دوره و قوانینی که از طریق آن، دانش‌های جدید شکل می‌گیرد (Mehrnia, 2017, p. 8).

۳. مشروعیت همان توجیه عقلانی و قانونیت زمامداران برای اعمال حکومت بر مردم و نیز اطاعت فرمان‌بران از آنان می‌باشد. همچنین مشروعیت به معنای قانونی بودن یا طبق قانون بودن است (Iouni, 2016).

۴. مغولان در کنار خدای واحد به خدایان دیگر و بت‌های گوناگون باور داشتند. آن‌ها خورشید، ماه و ستارگان را می‌پرستیدند. خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی را نتیجه عمل شیاطین می‌دانستند و با نواختن طبل به گمان خود، شر شیاطین را از خورشید و ماه رفع می‌کردند. مجموعه این باورها، به آیین شمنی معروف است. همچنین، در آیین شمنی جادوگری، دفع یا احضار ارواح، پیش‌گویی و درمان‌گری نقشی مهم دارد (Karimi & Samamdivand, 2012, p. 138). این مجموعه یاسا در نزد مغولان به اندازه‌ای محترم و مقدس بوده است که هیچ‌کس جرئت تخطی از مضامین آن را نداشت (Mehrnia, 2017, p. 11).

References

Azdanlu, H. (2001). Discourse and Society, Tehran: Ney. [In Persian]

[عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه، تهران: نی.]

Abville, J. (1992). History of Iran Cambridge. Volume Five. Translated by Hassan Anousheh. Tehran: Amirkabir. [In Persian]

[آبویل، ج. (۱۳۷۱). تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه. جلد پنجم. تهران: امیرکبیر.]

Azami, F. (2009). Islamization of the Ilkhans based on the reign of Ghazan, Thesis, Lorestan University. [In Persian]

[اعظمی، فریبا. (۱۳۸۸). اسلام پذیری ایلخانان با تکیه بر دوران سلطنت غازان، پایان‌نامه، دانشگاه لرستان.]

Afhami, R. A., Javani, M., Mehrnia, (2017). Shahnameh Bozorg, a document on the Iranian discourse of the Ilkhans. Scientific-Research Journal of Nazar Institute of Art. Architecture and Urban Planning. 14 (54). 64-57. [In Persian]

[افهمی، رضا؛ جوانی، اصغر و مهرنیا، سید محمد. (۱۳۹۶). شاهنامه بزرگ، سندی بر گفتمان ایرانی گرایی ایلخانان، مجله علمی-پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، ۱۴(۵۴)، ۶۴-۵۷.]

Barani, M. Reza. (2002). Critique of the tendency of the Ilkhans towards Islam and Shiism, History in the Mirror of Research, 1, 74-31. [In Persian]

[بارانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). نقد و بررسی گرایش ایلخانان به اسلام و تشیع، تاریخ در آیینه پژوهش، ۱، ۷۴-۳۱.]

Bozorgi, E (2014). Comparative and sociological study of the drawings of the comprehensive book of Rashidi Chronicles and Zafarnameh Teymouri, Master Thesis, Art Research, Al-Zahra University. [In Persian]

[بزرگی، الهه السادات. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی و جامعه شناختی نگاره‌های کتاب جامع التواریخ رشیدی و ظفرنامه تیموری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه الزهرا.]

Dehgan, M. (2009). The religious tolerance of the Mongols in their approach to religious thought, the history of Islam in the mirror of research, 22. [In Persian]

[دهقان، معصومه. (۱۳۸۸). تسامح و تساهل مذهبی مغولان در رویکرد با اندیشه دینی، تاریخ اسلام در آیینه پژوهش، ۲۲.]

Fazlullah Hamedani, Rashid al-Din. (1996). Jame al-Tawarikh, Alborz. [In Persian]

[فضل‌الله همدانی، رشیدالدین،۱۳۷۴، جامع‌التواریخ، البرز].

Foucault, M. (1999). Care and Punishment, Translated by Niko Sarkhosh and Afshin Jahanideh, Tehran, Ney Publishing. [In Persian]

[فوکو، میشل. (۱۳۷۸). مراقبت و تنبیه، ترجمه نیکو سرخش و افشین جهان-دیده، تهران، نشر نی.]

Foucault, M. (1999). Knowledge and Power. Translated by Mohammad Zamiran,:, Hermes Publications. [In Persian]

[فوکو، میشل. (۱۳۷۸). «دانش و قدرت»، ترجمه محمد ضمیران ، انتشارات هرمس.]

Foucault, M. (1980). Power/knowledge: selected interviews &other writings 1972-1977.

Foucault, M. (2012). Consideration an Marxism, phenomenology and power. Foucault studies, no 14, 98-114.

Falzon, Ch. (1999). Foucault and Social dialogue: Routledge.

Gofrani, A. (2006). Rashid al-Din Fazlullah and the idea of prosperity in the realm of the Ilkhans, Journal of Islamic Studies, No. 71, 190-167. [In Persian]

[غفرانی، علی. (۱۳۸۵). رشیدالدین فضل‌الله و اندیشه آبادگری در قلمرو ایلخانان، نشریه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱، ۱۹۰-۱۶۷.]

Graber, O. (2004). Iranian Paintings Reviews, Tehran, Iranian Academi of Arts [in Persian].

[گارابر، اولگ، ۱۳۸۳، مروری بر نقاشی ایرانی، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر.]

Jamshidiha, G, Baygani. B. (2011), "Foucault, History and Historical Methodology" Leaf of Culture, No. 23 Spring and Summer, pp. 174-199. [In Persian]

[جمشیدی‌ها، غلامرضا. بایگانی، بهمن. (۱۳۹۰)، «فوکو، تاریخ و روش‌شناسی تاریخی» برگ فرهنگ، شماره ۲۳ بهار و تابستان، ص ۱۷۴-۱۹۹.]

Karimi, A. Samadivand, M. (2012). Religious policy of the patriarchal government; Tolerance with religious turmoil?, Journal of Islamic History, 13 (4), 154-133.

[کریمی، علیرضا و صمدی‌وند، منوچهر. (۱۳۹۱). سیاست مذهبی حکومت ایلخانی؛ تسامح با آشفتگی مذهبی؟، فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام، ۱۳(۴)، ۱۵۴-۱۳۳.]

Mortazavi, M. (2006). Issues of the Ilkhanate Age, Second Edition, Tehran: Agah. [In Persian]

[مرتضوی، منوچهر. (۱۳۸۵). مسائل عصر ایلخانان، چاپ دوم، تهران: آگاه.]

Maqari, T. (2012). The Process of Changing the Religious Beliefs of the Mongols of Iran in the Ilkhanate Period, Master Thesis, History, Sistan and Baluchestan University. [In Persian]

[مقری، طاهره. (۱۳۹۱). روند تغییر عقاید دینی مغولان ایران در دوره‌ی ایلخانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تاریخ، دانشگاه سیستان و بلوچستان.]

Mehrnia, S.M. (2017). The Impact of the Discourse of Power on the Great Ilkhanid Shahnameh with Emphasis on the Opinions of Michel Foucault, PhD Thesis, Art Research, Isfahan University of Arts. [In Persian]

[مهرنیا، سید محمد. (۱۳۹۶). تأثیر گفتمان قدرت در شاهنامه‌ی بزرگ ایلخانی با تأکید بر آراء میشل فوکو، رساله دکتری، رشته پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.]

Mills, S (2010). Foucault, Translated by Dariush Nouri, Tehran: Markaz Publishing.

[میلز، سارا. (۱۳۸۹). فوکو، ترجمه‌ی داریوش نوری، تهران: نشر مرکز.]

Navabakhsh, M. Karimi, F. (2009). An Analysis of the Concept of Power in the Theories of Michel Foucault, Political Studies, 3, 63-50. [In Persian]

[نوابخش، مهرداد و کریمی، فاروق. (۱۳۸۸). واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو، مطالعات سیاسی، ۳، ۶۳-۵۰.]

Panjehbashi, E. (2019). Rethinking the Concept of Power from Foucault's Perspective on the Fath Ali Shah Shah's Painting in Mehr Ali, Rahpooyeh Art / Visual Arts, 3, 46-39. [In Persian]

[پنجه باشی، الهه. (۱۳۹۸). بازاندیشی مفهوم قدرت از دیدگاه فوکو در نقاشی پیکره‌نگاری فتحعلی شاه در آثار مهرعلی، نشریه رهپویه هنر/ هنرهای تجسمی، ۳، ۴۶-۳۹.]

Pourmosavi, S. M. A. (2014). Mongol religious policies and its impact on religions and sects; Case Study of Iranian Shiites, Scientific-Specialized Quarterly of Kharazmi History, 1 (3), 89-52). [In Persian]

[پورموسوی، سید محمد علی. (۱۳۹۳). سیاست‌های دینی مغولان و تأثیر آن بر ادیان و مذاهب؛ مطالعه موردی شیعیان ایران، فصلنامه علمی – تخصصی تاریخ‌نامه خوارزمی، سال اول بهار، شماره (۳)، ۸۹-۵۲.]

Qaderzadeh, H., Nouri, H., Naeemi, A. (2012). Recognizing the Concept of Power in Foucault Thought, Fundamental Westernism. Third Year. No. 2 Autumn and Winter. pp. 107-128. [In Persian]

[قادرزاده، هیرش. نوری، هادی و نعیمی، عباس. (۱۳۹۱). بازشناسی مفهوم قدرت در اندیشه فوکو، غرب شناسی بنیادی. سال سوم. شماره ۲ پاییز و

Sedaghat, F. Khorshidi, Z. (2009). A Study of Religious Themes in the Manuscripts of the Society of Histories, Two Scientific-Research Quarterly of Islamic Art Studies, 6, 98-77

[صداقت، فاطمه و خورشیدی، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی مضامین مذهبی در نسخ خطی جامع‌التواریخ، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ۶، ۹۸-۷۷.]

Weber, M. (1988). Basic concepts of sociology, Translated by Ahmad Sadrati, Tehran, Agah Publishing. [In Persian]

[وبر، ماکس. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه احمد صدراتی، تهران، نشر آگه]

Yazdanpanah, M. Gh., H, Soltani, H. Asadi,. Sh. (2009). A look at the book of the Society of Historians, a masterpiece of illustration of the Tabriz school of the Ilkhanid period. the book month of of the art. 13-4. [In Persiaan].

[یزدان‌پناه، مریم؛ حاتم، غلامعلی؛ سلطانی، سیدحسین و اسدی، شهریار. (۱۳۸۸). نگاهی به کتاب جامع‌التواریخ شاهکار مصورسازی مکتب تبریز دوره‌ی ایلخانیان، کتاب ماه هنر، ۱۳-۴.]

زمستان. ص ۱۰۷-۱۲۸.]

Robinz, S, p. (2005). Fundamentals of Organizational Behavior, Translated by Ali parsaiyan and Seyed Mohammad Aarabi, Tehran, Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

[رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۴). مبانی رفتار سازمانی، ترجمه‌ی علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهرانو انتشارات علمی و فرهنگی.]

Rajabunya, M. (2005). Clavijo Travelogue, Scientific and Cultural Publications. [In Persian]

[رجب‌نیا، مسعود. (۱۳۸۴). سفرنامه کلاویخو، انتشارات علمی و فرهنگی.]

Shahi, D. (2005). Foucault and the Philosophy of History, Quarterly Journal of History in the Mirror of Research, No. 10, pp. 85-114. [In Persian]

شاهی، داود (۱۳۸۴) فوکو و فلسفه‌ی تاریخ، فصلنامه‌ی تاریخ درآینه‌ی پژوهش، شماره ۱۰، ص ۸۵-۱۱۴.

Shokrpour, Sh. Tavousi, M. Ghouchani, A. (2013). Reflection of cultural and social approaches of the patriarchal era on Zarrinfam tiles. Two scientific-research quarterly journals of the University of Arts. No. 11, pp. 53-66. [In Persian]

[شکرپور، شهریار؛ طاووسی، محمود و قوچانی، عبدالله. (۱۳۹۲). بازتاب رهیافت-های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام، دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه هنر، شماره ۱۱، ص ۵۳-۶۶]